

تهدید به اخراج کارگرانی که ۱۱ ماه مزد، طلبکارند

عدم پرداخت معوقات حقوقی کارگران آیفای رودبار در استان گیلان از ۱۱ ماه گذشت. شماری از این کارگران به ایلنا گفتند: حدود ۶۵ کارگر در آیفای رودبار با سوابق بالای ۱۰ سال مشغول کارند که از آبان ماه سال ۱۴۰۲ تاکنون بیش از ۱۱ ماه مزد معوقه طلبکارند. این عده با بیان اینکه مطالبه کارگران این واحد فقط دریافت بخشی از مطالبات معوقه‌ای است که از آبان ماه سال گذشته پرداخت آن با تأخیر مواجه شده، افزودند: حدود نیمی از کارگران محل کار خود را ترک کرده‌اند برای شکایت مر تیباز سوی مدیران آیفای رودبار به اخراج تهدید می‌شوند بدین ترتیب توان پیگیری مطالبات خود را ندارند. این کارگران بایسان با حداقل روزی ۱۲ ساعت کار اجباری از حداقل‌های مزدی محروم هستند و مسئولان آیفای رودبار اهمیتی برای کارگران پیمانکاری قائل نیستند، اظهار داشتند: از سر ناچاری هر ساله با پیمانکاران تأمین نیرو و همکاری می‌کنیم و شرکت‌های تأمین نیروی انسانی که عملاً از حقوق و مزایای کارگران ارتزاق می‌کنند، بدون هیچ‌گونه پاسخگویی و حمایت مسئولان، همچنان به فعالیت خود ادامه می‌دهند و کار به جایی رسیده که کارگران توان مالی برای سر کار آمدن ندارند. این عده خطاب به مدیران آیفای رودبار می‌گویند: هیچ زمانی در انجام وظایف خود کوتاهی نکرده‌ایم و با وجود شرایط سخت در انجام وظایف کوتاهی نخواهیم کرد اما مدیریت بالادستی در مقابل، فکری به حال ما نمی‌کند. یکی از این کارگران گفت: اکثر همکاران مشکلات معیشتی دارند و کسی جوابگوی مشکلات آنها نیست. صرفاً به دنبال وصول مطالبات معوقه برای تأمین معاش خود و خانواده‌هایمان هستیم و چیزی فراتر از آن نمی‌خواهیم لذا درخواست ما این است که به جای تهدید کارگرانی که ۱۱ ماه حقوق نگرند، پیگیری مشکلات معیشتی آنها باشد.



نماینده مجلس:

عده‌ای از بازنشستگان نباید یک میلیون تومان متناسب‌سازی را می‌گرفتند

یک نماینده مجلس درباره متناسب‌سازی حقوق بازنشستگان می‌گوید: دولت اشتباهی کرده و آمده به همه ۲ میلیون و ۷۰۰ هزار بازنشسته، مبلغ یک میلیون تومان علی‌الحساب داده در صورتی که ۴۰۰ تا ۵۰۰ هزار نفر از آنها مشمول متناسب‌سازی نبوده‌اند. مهرداد بلوچ لاهوتی به ایلنا گفت: دانشوران این است که ۵۰ هزار میلیارد تومان برای همدان سازی گذاشته‌ایم و ۲ میلیون و ۷۰۰ هزار نفر هم بازنشسته داریم ولی اشتباهی به همه ۲ میلیون و ۷۰۰ هزار نفر، ماهی یک میلیون تومان علی‌الحساب داده‌اند در صورتی که ۴۰۰ تا ۵۰۰ هزار نفر اصلاً مشمول متناسب‌سازی نبوده‌اند. وی ادامه داد: دلیل اینکه برخی از این بازنشستگان شامل متناسب‌سازی نبوده‌اند این است که متلاً حقوق فرد شاغل هم ۱۰۰ میلیون تومان بوده و حقوق بازنشسته ۹ میلیون تومان و این فرد نباید می‌گرفت. حالا دولت این اشتباه را داشته و ۳۲۲ هزار میلیارد تومان پرداخت کرده و باقی مانده اعتبار ۱۸ هزار میلیارد تومان است. بنابراین دولت نباید به اشتباه خودش ادامه دهد اما «پورمحمدی» رئیس سازمان برنامه و بودجه در صحن مجلس گفت تا پایان سال یک میلیون تومان را به همه می‌دهیم، در صورتی که خلاف داده‌اند و باید قانون را اجرا کنند. لاهوتی با اشاره به این که قانون مشخص است و حال یک بی‌عدالتی صورت گرفته و رئیس سازمان برنامه و بودجه نمی‌تواند برای قانون‌گذار تعیین تکلیف کند، گفت: دولت قانون را اجرا کند و لایحه‌ای بیاورد و اصلاحات را انجام دهد. وی خاطر نشان کرد: نکته دیگر در مورد متناسب‌سازی بازنشستگان این است که قرار بود دولت ۱۲۰ هزار میلیارد تومان بدهی تأمین اجتماعی را پرداخت کند و تأمین اجتماعی هم بپردازد متناسب‌سازی را اجرا کند. دولت به تأمین اجتماعی ۵۰۰ هزار میلیارد تومان بدهکار است. ما هم دست دولت را باز گذاشتیم تا بخشی از بدهی خودش را بدهد تا تأمین اجتماعی هم متناسب‌سازی را اجرا کند.

نماینده اصفهان:

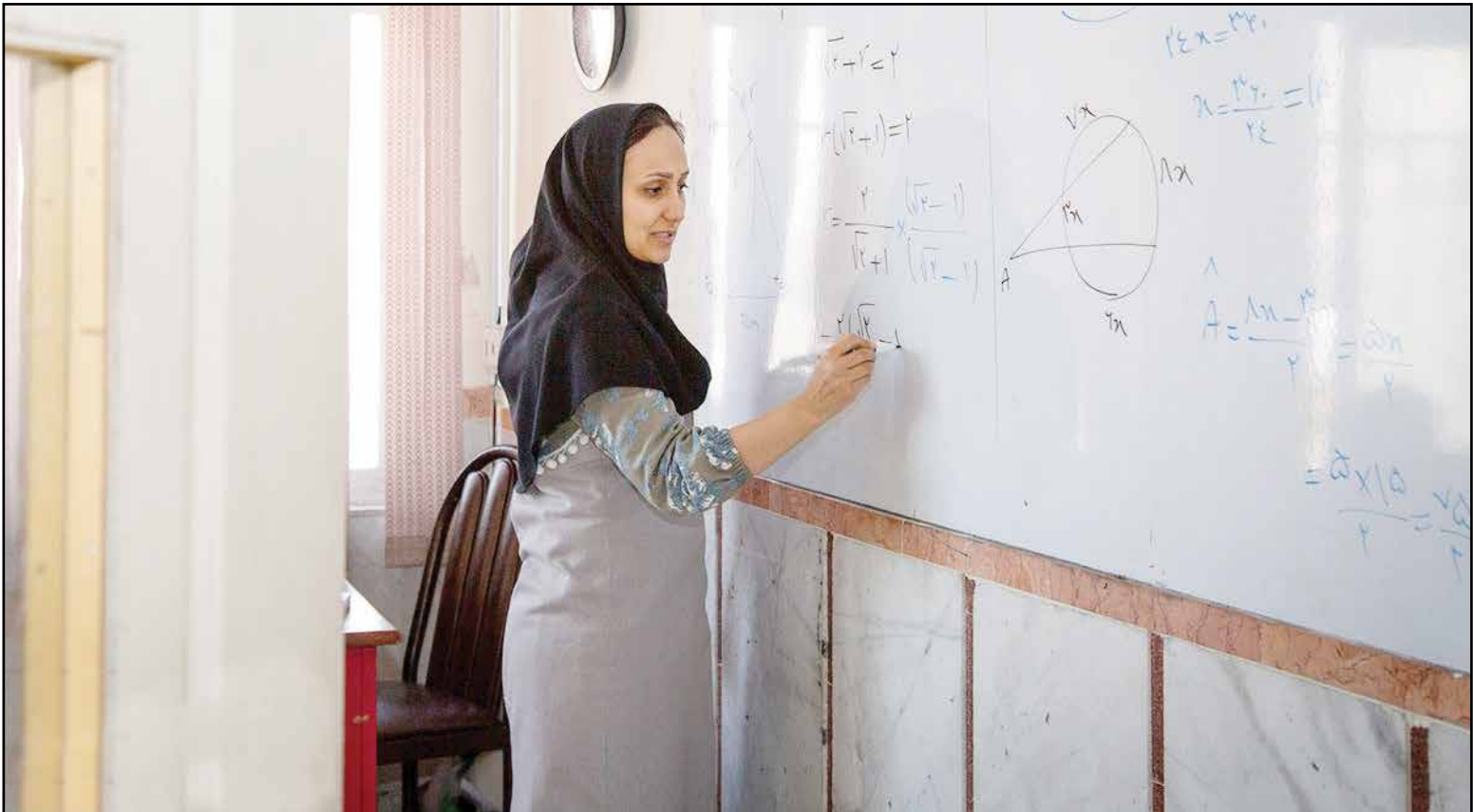
افزایش حقوق کارمندان، تورم‌زاست



یک نماینده مجلس می‌گوید برای عمل به حکم قانونی افزایش حقوق، دولت نیازمند افزایش منابع است و اگر دولت منابعی دارد که با کم‌کم آن بتواند منابع را به‌طور مطمئن افزایش دهد، اقدامی درست است. به گزارش اقتصاد آنلاین، مهدی طیفانی اظهار داشت: با فرض اینکه دولت با وجود ناترازی مالی اقدام به افزایش حقوق به اندازه اندازه تورم کند، کسری بودجه تورم‌افزایش می‌یابد و قدرت خرید مردم از دست می‌رود یعنی از طرفی پول کارکنان تأمین می‌شود و حقوق افزایش پیدا می‌کند اما از طرفی دیگر با وجود تورم، ارزش پول و قدرت خرید افزایش یافته خود را از دست می‌دهند. افراد و کارکنانی که دارای درآمد ثابت هستند نسبت به کسانی که درآمدشان متغیر است و تورم تغییر می‌کند، رز زمانی که تورم بالاست بیشتر متضرر می‌شوند زیرا حقوق کارمندان اول سال تعیین می‌شود اما افرادی با شغل آزاد قادر هستند تا قیمت کالا و خدمات خود را با توجه به شرایط اقتصاد و تورم تغییر دهند. وی ادامه داد: در مورد تعیین حقوق باید متناسب با شرایط و امکانات دولت تصمیم‌گیری شود. ممکن است دولت نتواند منابعی غیر از منابع بدون پشتوانه استفاده کند اما نکته اصلی اینجاست که دولت باید با مقدمات خود تصمیم‌گیری کند و منابعی که در بودجه آورده می‌شود، باید قابل تحقق و دست‌یافتنی باشند.

آموزش و پرورش، گرفتار دور باطل جبران نیروی انسانی با روش‌های نادرست است

تبدیل وضعیت معلمان؛ راه‌حلی موقت، چالشی ماندگار



کدام روش یا پاسخ به این سوال با استناد به گزارش مرکز پژوهش‌های مجلس باید گفت استفاده از نیروهای خرید خدمات و حق التدریس همچنان یکی از راهکارهای وزارت آموزش و پرورش برای جبران کمبودهای غیرقابل پیش‌بینی نیروی انسانی است. در طرح‌های تبدیل وضعیت این نیروها، یکی از نکات مهم این است که به دلیل عدم توانایی آموزش و پرورش در پیش‌بینی دقیق نیازهای خود و نبود سامانه شفاف برای مدیریت نیروی انسانی، استفاده از نیروهای غیررسمی همچنان اجتناب‌ناپذیر به نظر می‌رسد. طبق تجربیات سال‌های گذشته، پس از صدور ابلاغ معلمان و آغاز سال تحصیلی، وزارت آموزش و پرورش با کمبودهایی مواجه می‌شود که به دلیل زمان‌بر بودن برگزاری آزمون‌های استخدامی، امکان جذب سریع معلمان رسمی وجود ندارد. به همین دلیل، این وزار تخانه مجبور به استفاده از قراردادهای موقت برای تأمین معلم است. در سال تحصیلی ۱۴۰۳-۱۴۰۲، با وجود

هستند و سال جاری نیز، معلمان خرید خدماتی همچون عدم دریافت دستمزد ماهانه با گذشت پنج‌ماه و حق‌الزحمه اندک بدون حق بیمه داشتند و مطالبات خود را از طریق فرمانداری‌ها، استانداری‌ها، انمه جمعه، خیرگزارى‌ها، نهاد ریاست جمهوری، بیت رهبری و سازمان امور استخدامی و... پیگیری کردند.

استفاده از نیروهای غیررسمی؛ گزینهای اجتناب‌ناپذیر

اما آیا می‌توان به کارگیری نیروهای خرید خدمات و حق التدریس را برای همیشه متوقف

طرح‌های تبدیل وضعیت معلمان و آموزش‌شیران تنها بخشی از مشکلات معیشتی و حقوقی آنها را حل می‌کند اما چالش‌های مربوط به استخدام رسمی همچنان پابرجا می‌ماند

طی سال‌های اخیر، استخدام معلمان به صورت حق التدریس و خرید خدمات به‌عنوان راهکاری برای جبران کمبود نیروی انسانی در آموزش و پرورش مطرح بوده اما این شیوه همچنان مشکلات معیشتی و عدم ثبات شغلی برای معلمان ایجاد کرده است. به گزارش اکوایران، در سال‌های اخیر، موضوع استخدام معلمان به صورت حق التدریس و خرید خدمات، یکی از چالش‌های جدی نظام آموزشی ایران بوده است. این شیوه‌های جذب نیرو که بیشتر به منظور جبران کمبود نیروی انسانی در وزارت آموزش و پرورش به کار گرفته می‌شوند، همواره باعث ایجاد مسائلی از جمله عدم ثبات شغلی و معیشتی برای معلمان شده‌اند. در عین حال، طرح‌های مختلفی برای تبدیل وضعیت این نیروها به استخدام رسمی مطرح شده اما به نظر می‌رسد که این راه‌حل‌ها نمی‌توانند به طور کامل چالش‌های مرتبط با استخدام معلمان را از بین ببرند. سال‌هاست این نیروهای آموزشی گلابه‌مند

شیوه‌های جذب نیرو و که بیشتر به منظور جبران کمبود نیروی انسانی در وزارت آموزش و پرورش به کار گرفته می‌شوند، همواره باعث ایجاد مسائلی از جمله عدم ثبات شغلی و معیشتی برای معلمان شده‌اند

به کارگیری به صورت حق التدریس است. این مسأله به دلیل ساختار متفاوت این گروه‌ها با نیروهای خرید خدمات آموزشی است. مهدکودک‌ها و مراکز پیش‌دبستانی به شکل غیر دولتی اداره می‌شوند و سازمان نهضت سوادآموزی نیز مأموریت خود را با استفاده از نیروهای که رابطه استخدامی با دولت ندارند، انجام می‌دهد. بنابراین، تبدیل وضعیت این شاغلان نمی‌تواند پایان مطالبات استخدامی آنها را به دنبال داشته باشد. مریبان پیش‌دبستانی پس از تبدیل وضعیت از بخش غیردولتی به بخش دولتی، در مشاغل آموزگاری یا دبیری مشغول به کار می‌شوند. با خروج این افراد از مراکز پیش‌دبستانی، افراد جدیدی برای پر کردن این جایگاه‌ها جذب می‌شوند که آنها نیز پس از مدتی خواهان استخدام رسمی خواهند شد. در مورد آموزش‌شیران نهضت سوادآموزی نیز همین روند وجود دارد. پس از تبدیل وضعیت، آنها در مدارس ابتدایی یا متوسطه تدریس می‌کنند و جای آنها با آموزش‌شیران جدید پر می‌شود که پس از چند سال مطالبات استخدامی مشابهی خواهند داشت.

تبدیل وضعیت معلمان؛ رفع مشکلات معیشتی، تداوم چالش‌های استخدامی

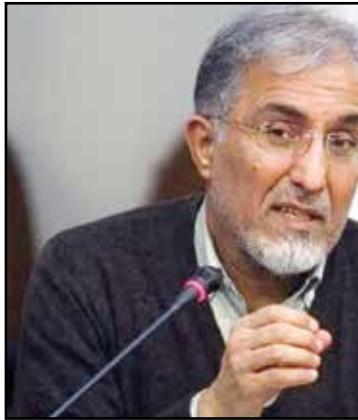
به این ترتیب، طرح‌های تبدیل وضعیت معلمان و آموزش‌شیران تنها بخشی از مشکلات معیشتی و حقوقی آنها را حل می‌کند اما چالش‌های مربوط به استخدام رسمی همچنان پابرجا می‌ماند. این مسأله از سال ۱۳۸۸ تا ۱۳۹۹ با تصویب الحاقیه‌های مختلف در قانون تعیین تکلیف استخدامی معلمان حق التدریسی و آموزش‌شیران نهضت سوادآموزی مشاهده شده است. با این وجود همچنان گروه‌های جدیدی با همان مطالبات ایجاد شده‌اند. پیامد دیگر این چرخه تکراری، این است که مراکز پیش‌دبستانی و نهضت سوادآموزی به سکویی برای جذب رسمی در آموزش و پرورش تبدیل شده‌اند و بسیاری از افراد این هدف وارد این مجموعه‌ها می‌شوند، نه به دلیل مأموریت اصلی و ذاتی آنها. همچنین ادامه این روند ممکن است به زودی به معلمان مدارس غیردولتی نیز سرایت کند و آنها نیز خواهان تبدیل وضعیت مشابه و استخدام در آموزش و پرورش شوند.

در نتیجه برای شهریور ۱۴۰۳ و براساس آنالیز قیمت منتشره از سوی مراجع قانونی اعلام شده هزینه هر وعده غذای خانوار محاسبه شده است. صبحانه و شام شامل غذاهایی مانند کره و مربا، پنیر و مربا، تخم‌مرغ آب‌پز، پنیر و عسل یا پنیر با خیار و گوجه‌است و میانگین قیمت آن برای هر نفر در وعده ۲۷۹ هزار و ۱۰۲ ریال شده است. هزینه متوسط یک وعده غذای گرم یا نهار نیز که مبتنی بر یک برنامه غذایی ۱۵ روزه شامل غذاهای متداول ایرانی است، براساس محاسبات برای هر فرد برابر ۶۷۳ هزار و ۷۱۷ ریال است.

سه‌م ۲۸ درصدی خوراک از سبد معیشت کارگران

پس از محاسبه سبد خوراکي‌ها، نوبت به محاسبه سبد معیشت خانوار می‌رسد. کارگران طبق اعلام مرکز آمار ایران در دهک چهارم و پنجم درآمدی قرار دارند که در این دهک‌ها سه‌م خوراکي‌ها از هزینه‌های زندگی ۳۸.۰۵ درصد است. بنابراین سبد معیشت خانوارهای کارگری در شهر یورماه ۱۴۰۳ براساس این فرمول ۳۶۷ میلیون و ۸۷۹ هزار و ۶۳۲ ریال می‌شود. در واقع نرخ سبد معیشت تقریباً واقعی خانوارهای متوسط کارگری در شهر یورماه سال جاری، حدود ۲۶ میلیون و ۷۸۰ هزار تومان است که فاصله بسیار زیادی با حداقل دستمزد و مزایای ماهانه کارگران دارد.

توفیقی در ارتباط با این اعداد محاسبه شده می‌گوید: حداقل دستمزد ۱۴۰۳ با احتساب ۱.۳ فرزند، رقم ۱۰ میلیون و ۸۹۷ هزار تومان است بنابراین این دستمزد فقط ۲۹.۶۲ درصد از هزینه‌های زندگی یا همان سبد ۲۶ میلیون و ۷۸۰ هزار تومانی را پوشش می‌دهد و به عبارت ساده‌تر کارگران حداقل‌بگیر با دستمزدی که می‌گیرند قادر به تأمین ۲۹.۶۲ درصد از هزینه‌های ماهانه زندگی هستند. حال سوال این است که باقی هزینه‌های زندگی که چیزی نزدیک به ۲۶ میلیون تومان است از کجا باید تأمین شود و آیا بهتر نبود اولین اقدام وزیر کار جدید بعد از گرفتن پست وزارت، تشکیل جلسه برای تعیین دستمزد براساس ضروریات قانون باشد؟



مدارس در مناطق محروم از تحصیل باز مانده‌اند. متأسفانه ظلم علیه برخی دختران ما به این شکل است که علاوه بر دریافت تبعیض فرهنگی، با تبعیض‌های دیگری هم روبه‌رو هستند و چون برخی مخاطرات، آنها را بیش از پسران تهدید می‌کند، آنها از ادامه تحصیل و دسترسی به فرصت‌های رشد و شکوفایی بازمی‌مانند که اتفاقاً همین موضوع به بیماری اقتصاد کشور دامن می‌زند.

وی در پایان اظهار داشت: در کشورهای توسعه‌یافته یکی از اصول رشد و شکوفایی اقتصادی، کاهش نابرابری است. اگر قصد داریم کشور را پیشرفت دهیم و اگر قصد داریم اقتصادمان را از بیماری نجات دهیم، باید هر چه زودتر در جهت رفع انواع نابرابری‌های آموزشی، جنسیتی و اقتصادی گام برداریم. تا زمانی که این شکاف‌های عمیق وجود دارد، جامعه ما نیز به سمت افزایش تنش‌های اجتماعی، اقتصادی و حتی سیاسی گام برمی‌دارد.

در نتیجه برای شهریور ۱۴۰۳ و براساس آنالیز قیمت منتشره از سوی مراجع قانونی اعلام شده هزینه هر وعده غذای خانوار محاسبه شده است. صبحانه و شام شامل غذاهایی مانند کره و مربا، پنیر و مربا، تخم‌مرغ آب‌پز، پنیر و عسل یا پنیر با خیار و گوجه‌است و میانگین قیمت آن برای هر نفر در وعده ۲۷۹ هزار و ۱۰۲ ریال شده است. هزینه متوسط یک وعده غذای گرم یا نهار نیز که مبتنی بر یک برنامه غذایی ۱۵ روزه شامل غذاهای متداول ایرانی است، براساس محاسبات برای هر فرد برابر ۶۷۳ هزار و ۷۱۷ ریال است.

سه‌م ۲۸ درصدی خوراک از سبد معیشت کارگران

پس از محاسبه سبد خوراکي‌ها، نوبت به محاسبه سبد معیشت خانوار می‌رسد. کارگران طبق اعلام مرکز آمار ایران در دهک چهارم و پنجم درآمدی قرار دارند که در این دهک‌ها سه‌م خوراکي‌ها از هزینه‌های زندگی ۳۸.۰۵ درصد است. بنابراین سبد معیشت خانوارهای کارگری در شهر یورماه ۱۴۰۳ براساس این فرمول ۳۶۷ میلیون و ۸۷۹ هزار و ۶۳۲ ریال می‌شود. در واقع نرخ سبد معیشت تقریباً واقعی خانوارهای متوسط کارگری در شهر یورماه سال جاری، حدود ۲۶ میلیون و ۷۸۰ هزار تومان است که فاصله بسیار زیادی با حداقل دستمزد و مزایای ماهانه کارگران دارد.

توفیقی در ارتباط با این اعداد محاسبه شده می‌گوید: حداقل دستمزد ۱۴۰۳ با احتساب ۱.۳ فرزند، رقم ۱۰ میلیون و ۸۹۷ هزار تومان است بنابراین این دستمزد فقط ۲۹.۶۲ درصد از هزینه‌های زندگی یا همان سبد ۲۶ میلیون و ۷۸۰ هزار تومانی را پوشش می‌دهد و به عبارت ساده‌تر کارگران حداقل‌بگیر با دستمزدی که می‌گیرند قادر به تأمین ۲۹.۶۲ درصد از هزینه‌های ماهانه زندگی هستند. حال سوال این است که باقی هزینه‌های زندگی که چیزی نزدیک به ۲۶ میلیون تومان است از کجا باید تأمین شود و آیا بهتر نبود اولین اقدام وزیر کار جدید بعد از گرفتن پست وزارت، تشکیل جلسه برای تعیین دستمزد براساس ضروریات قانون باشد؟



مدارس در مناطق محروم از تحصیل باز مانده‌اند. متأسفانه ظلم علیه برخی دختران ما به این شکل است که علاوه بر دریافت تبعیض فرهنگی، با تبعیض‌های دیگری هم روبه‌رو هستند و چون برخی مخاطرات، آنها را بیش از پسران تهدید می‌کند، آنها از ادامه تحصیل و دسترسی به فرصت‌های رشد و شکوفایی بازمی‌مانند که اتفاقاً همین موضوع به بیماری اقتصاد کشور دامن می‌زند.

وی در پایان اظهار داشت: در کشورهای توسعه‌یافته یکی از اصول رشد و شکوفایی اقتصادی، کاهش نابرابری است. اگر قصد داریم کشور را پیشرفت دهیم و اگر قصد داریم اقتصادمان را از بیماری نجات دهیم، باید هر چه زودتر در جهت رفع انواع نابرابری‌های آموزشی، جنسیتی و اقتصادی گام برداریم. تا زمانی که این شکاف‌های عمیق وجود دارد، جامعه ما نیز به سمت افزایش تنش‌های اجتماعی، اقتصادی و حتی سیاسی گام برمی‌دارد.

کدام روش یا پاسخ به این سوال با استناد به گزارش مرکز پژوهش‌های مجلس باید گفت استفاده از نیروهای خرید خدمات و حق التدریس همچنان یکی از راهکارهای وزارت آموزش و پرورش برای جبران کمبودهای غیرقابل پیش‌بینی نیروی انسانی است. در طرح‌های تبدیل وضعیت این نیروها، یکی از نکات مهم این است که به دلیل عدم توانایی آموزش و پرورش در پیش‌بینی دقیق نیازهای خود و نبود سامانه شفاف برای مدیریت نیروی انسانی، استفاده از نیروهای غیررسمی همچنان اجتناب‌ناپذیر به نظر می‌رسد. طبق تجربیات سال‌های گذشته، پس از صدور ابلاغ معلمان و آغاز سال تحصیلی، وزارت آموزش و پرورش با کمبودهایی مواجه می‌شود که به دلیل زمان‌بر بودن برگزاری آزمون‌های استخدامی، امکان جذب سریع معلمان رسمی وجود ندارد. به همین دلیل، این وزار تخانه مجبور به استفاده از قراردادهای موقت برای تأمین معلم است. در سال تحصیلی ۱۴۰۳-۱۴۰۲، با وجود

هستند و سال جاری نیز، معلمان خرید خدماتی همچون عدم دریافت دستمزد ماهانه با گذشت پنج‌ماه و حق‌الزحمه اندک بدون حق بیمه داشتند و مطالبات خود را از طریق فرمانداری‌ها، استانداری‌ها، انمه جمعه، خیرگزارى‌ها، نهاد ریاست جمهوری، بیت رهبری و سازمان امور استخدامی و... پیگیری کردند.

استفاده از نیروهای غیررسمی؛ گزینهای اجتناب‌ناپذیر

اما آیا می‌توان به کارگیری نیروهای خرید خدمات و حق التدریس را برای همیشه متوقف

طرح‌های تبدیل وضعیت معلمان و آموزش‌شیران تنها بخشی از مشکلات معیشتی و حقوقی آنها را حل می‌کند اما چالش‌های مربوط به استخدام رسمی همچنان پابرجا می‌ماند

طی سال‌های اخیر، استخدام معلمان به صورت حق التدریس و خرید خدمات به‌عنوان راهکاری برای جبران کمبود نیروی انسانی در آموزش و پرورش مطرح بوده اما این شیوه همچنان مشکلات معیشتی و عدم ثبات شغلی برای معلمان ایجاد کرده است. به گزارش اکوایران، در سال‌های اخیر، موضوع استخدام معلمان به صورت حق التدریس و خرید خدمات، یکی از چالش‌های جدی نظام آموزشی ایران بوده است. این شیوه‌های جذب نیرو که بیشتر به منظور جبران کمبود نیروی انسانی در وزارت آموزش و پرورش به کار گرفته می‌شوند، همواره باعث ایجاد مسائلی از جمله عدم ثبات شغلی و معیشتی برای معلمان شده‌اند. در عین حال، طرح‌های مختلفی برای تبدیل وضعیت این نیروها به استخدام رسمی مطرح شده اما به نظر می‌رسد که این راه‌حل‌ها نمی‌توانند به طور کامل چالش‌های مرتبط با استخدام معلمان را از بین ببرند. سال‌هاست این نیروهای آموزشی گلابه‌مند

راغفر: وضعیت اشتغال و تحصیل زنان بغرنج‌تر از مردان است

جوانان کشور؛ قربانیان فقر فرهنگی و معیشتی

داده‌های مرکز آمار ایران نشان می‌دهد که در پایان سال گذشته و از جمعیت ۱۱ میلیون نفری در سن ۱۵ تا ۲۴ سال، حدود ۲.۸ میلیون نفر معادل ۲۵.۶ درصد در گروه جمعیت NEET قرار دارند؛ جمعیتی که علاقه‌ای به تحصیل یا اشتغال نشان نمی‌دهند. نکته قابل تامل در این آمارها تفاوت وضعیت زنان و مردان است. این آمار، شامل حدود ۹۲۸ هزار نفر مرد و ۱.۸ میلیون نفر زن است. «حسین راغفر» اقتصاددان و عضو هیأت علمی دانشگاه الزهراء به فرار و گفت: این آمارها و وضعیت موجود، شکست نظام اقتصادی کنونی را نشان می‌دهد که چگونه اقتصاد غارتی سبب شده که فرصت‌های رشد از جوانان کشور سلب شود. این اتفاقات به دلیل سیاست‌های آزادسازی و سیاست‌های اقتصادی ۳۵ سال گذشته در کشور رخ داده چون فرصت‌های دسترسی به حداقل‌های زندگی از بسیاری از افراد گرفته شده است. امروز بخش قابل توجهی از افرادی که فرصت تحصیل از آنان سلب شده، نه تنها فرصتی برای یادگیری مهارت نداشته‌اند، بلکه نتوانسته‌اند وارد حوزه آموزش تکمیلی و عالی شوند، در نتیجه فاقد شغل هستند. بخش قابل توجهی از این افراد را باید قربانی نظام اقتصادی نامناسب بدانیم اما جالب است که هم‌زمان یک موضوع کاملاً معکوس و متفاوت هم وجود دارد. وی افزود: عده‌ای هم هستند که در رفاه کامل قرار دارند و به دلیل رفاه بیش از حد، نیازی به درس خواندن یا موختن مهارت و شغل احساس نمی‌کنند. این افراد فرصت زندگی پر از رفاه را در اختیار دارند و اگر چه جمعیت محدود و قبلی هستند اما شرایطشان با آنها بی‌گانه‌تر است. وضعیت اقتصادی و اشتباهات و وضعیت اقتصاد کشور شده‌اند، بسیار متفاوت است بنابراین ما در این آمار با دو طیف کاملاً متضاد از جوانان روبه‌رو هستیم که براساس شرایط خود تمایل به کار و تحصیل را از دست داده‌اند.

زنان وضعیت بغرنج‌تری از مردان دارند

این استاد اقتصاد در ادامه گفت: این موضوع که در این آمارها وضعیت زنان نسبت به مردان بغرنج‌تر است یا به عبارتی تعداد زنان محروم‌مانده از تحصیل یا اشتغال بیش از مردان است نیز نشانه‌ای تاسف‌برانگیز از یک تبعیض ریشه‌دار جنسیتی است که در نظام آموزشی کشور اعمال شده به این شکل که گروه‌هایی از طبقات با جنسیت مونث، امکان ورود به مدرسه را حتی نه فقط به لحاظ اقتصادی، بلکه به لحاظ برخی ملاحظات فرهنگی از دست می‌دهند. همچنین برخی از زنان و دختران، به علت عدم دسترسی به

گفت و گو

راغفر: وضعیت اشتغال و تحصیل زنان بغرنج‌تر از مردان است

جوانان کشور؛ قربانیان فقر فرهنگی و معیشتی

داده‌های مرکز آمار ایران نشان می‌دهد که در پایان سال گذشته و از جمعیت ۱۱ میلیون نفری در سن ۱۵ تا ۲۴ سال، حدود ۲.۸ میلیون نفر معادل ۲۵.۶ درصد در گروه جمعیت NEET قرار دارند؛ جمعیتی که علاقه‌ای به تحصیل یا اشتغال نشان نمی‌دهند. نکته قابل تامل در این آمارها تفاوت وضعیت زنان و مردان است. این آمار، شامل حدود ۹۲۸ هزار نفر مرد و ۱.۸ میلیون نفر زن است. «حسین راغفر» اقتصاددان و عضو هیأت علمی دانشگاه الزهراء به فرار و گفت: این آمارها و وضعیت موجود، شکست نظام اقتصادی کنونی را نشان می‌دهد که چگونه اقتصاد غارتی سبب شده که فرصت‌های رشد از جوانان کشور سلب شود. این اتفاقات به دلیل سیاست‌های آزادسازی و سیاست‌های اقتصادی ۳۵ سال گذشته در کشور رخ داده چون فرصت‌های دسترسی به حداقل‌های زندگی از بسیاری از افراد گرفته شده است. امروز بخش قابل توجهی از افرادی که فرصت تحصیل از آنان سلب شده، نه تنها فرصتی برای یادگیری مهارت نداشته‌اند، بلکه نتوانسته‌اند وارد حوزه آموزش تکمیلی و عالی شوند، در نتیجه فاقد شغل هستند. بخش قابل توجهی از این افراد را باید قربانی نظام اقتصادی نامناسب بدانیم اما جالب است که هم‌زمان یک موضوع کاملاً معکوس و متفاوت هم وجود دارد. وی افزود: عده‌ای هم هستند که در رفاه کامل قرار دارند و به دلیل رفاه بیش از حد، نیازی به درس خواندن یا موختن مهارت و شغل احساس نمی‌کنند. این افراد فرصت زندگی پر از رفاه را در اختیار دارند و اگر چه جمعیت محدود و قبلی هستند اما شرایطشان با آنها بی‌گانه‌تر است. وضعیت اقتصادی و اشتباهات و وضعیت اقتصاد کشور شده‌اند، بسیار متفاوت است بنابراین ما در این آمار با دو طیف کاملاً متضاد از جوانان روبه‌رو هستیم که براساس شرایط خود تمایل به کار و تحصیل را از دست داده‌اند.

زنان وضعیت بغرنج‌تری از مردان دارند

این استاد اقتصاد در ادامه گفت: این موضوع که در این آمارها وضعیت زنان نسبت به مردان بغرنج‌تر است یا به عبارتی تعداد زنان محروم‌مانده از تحصیل یا اشتغال بیش از مردان است نیز نشانه‌ای تاسف‌برانگیز از یک تبعیض ریشه‌دار جنسیتی است که در نظام آموزشی کشور اعمال شده به این شکل که گروه‌هایی از طبقات با جنسیت مونث، امکان ورود به مدرسه را حتی نه فقط به لحاظ اقتصادی، بلکه به لحاظ برخی ملاحظات فرهنگی از دست می‌دهند. همچنین برخی از زنان و دختران، به علت عدم دسترسی به